

هو الله - ای یاران عبدالبهاء عوانان دست

تطاول گشودند...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



۳۱

هو الله

ای یاران عبدالبهاء عوانان دست تطاول گشودند و مستبدان به شدت تمام تعرض نمودند و عبدالبهاء را در این سجن اعظم شدت تضییق روا داشتند به درجه‌ای که در زندان زندانی دیگر تقریر یافت و به قول اتراک زندان ایچنده زندان شد یعنی زندان اندر زندان و سبل مقطوع گشت و قاصدان کعبه مقصود ممنوع شدند از هر جهت عبدالبهاء در تحت مراقبه شدید افتاد به قسمی که نفس تنگ شد و نفوس را صبر و درنگ نماند پس بغتة ید قوت از جیب قدرت بیرون آمد و ید و بیضا بنمود و مانند ثعبان مبین سحر ساحرین را ببلعید عبدالبهاء از زندان برون آمد و عوانان از ایوان به زندان افتادند و به سلاسل و اغلال گرفتار شدند تأییدات ملکوت رسید و قوه لاهوت علم بگشود در حالتی که یار و اغیار و آشنا و بیگانه مایوس و مبتلای به قنوط بودند بغتة انوار تأیید بتابید و غیوم ظلام ظلم را پراکنده و پریشان کرد به خاطر نفسی نیامد و به فکر کسی نمیگذشت که دیگر روزی آید و این سلاسل و اغلال که بر گردن آوارگان بود انحلال جوید و این شدت ادنی خفتی یابد بلکه کلّ میگفتند علی‌الخصوص ناقضان که عبدالبهاء بلکه جمیع یاران را بنیاد برافتاد عنقریب یا در قعر دریا نهان گردند و یا آن که به صحرای فیزان افتند کلّ منتظر این وقوعات بودند که تأیید ناگهانی رسید و نور توفیق آسمانی درخشید و به کلی بند و



ORIGINAL



AUDIO

زنجیر برافتاد و ظالمان اسیر گشتند. این است قدرت الهیه و این است قوت رحمانیه و این است نفوذ کلمه الله و این است تأثیر بشارات الله. در سنه گذشته در نهایت شدت بلا و سدّ راه به اطراف مرقوم شده بود:

بگذرد این روزگار تلختر از زهر
بار دگر روزگار چون شکر آید

باری ای احبّای الهی در این سنه تأییدات الهیه از جمیع جهات احاطه کرده جنود ملکوت نصرت نموده و افواج ملاً اعلیٰ هجوم کرده پس به شکرانه این الطاف باید دمی نیاسائیم و نفسی برنیاریم مگر آن که به نشر نفحات الله مشغول شویم و به ترتیل آیات هدی مألوف گردیم در اتّحاد و اتّفاق بکوشیم یاران را بنوازیم و دوستان را بستائیم حتی دشمنان را به انواع الطاف و نیت خالصه خوشنود نمائیم به نشر نفحات الله قیام کنیم و به اعلاء کلمه الله پردازیم جمال قدم و اسم اعظم محض هدایت ما پنجاه سال حمل صدمات و بلا فرمود آیا سزاوار است که ما راحت و آسایش طلبیم راحت و آرایش جوئیم و به فکر خویش افیم و نفس اماره خود را پرستیم؟ لا والله چنین سزاوار نه بلکه باید در هر دمی صد جان بیفشانیم و در هر نفسی هزار ساغر بلا بیاشامیم و به جان و دل بکوشیم و مانند نهنگ دریای فنا بخروشیم تا قطره آخر از خون خویش را در سبیل حقّ بر خاک بیفشانیم و علیکم البهاء الأبهی ***.*** ع

ع

